

سقط جنین، قتل نفس است

چون این مقاله بانهایت واقع بینی ودور از هر نوع نعصب تمظیم گردیده است؛ امید است مورد توجه جامعه محترم پزشکان قرار گیرد.

مثلا «بدست آوردن آزادیهای اجتماعی وفردی زنان و افزایش مسائل حرفه‌ای مربوط به آنان، این اشکال را پیش می‌آورد که خانم نتواند باشکم‌پرو وزن اضافی سرکارش حاضر شود» (۱)

ولی باید توجه نمود که تنها سقط جنینهای جنائی نیست که بدست اشخاص ناصالح انجام می‌گیرد و جان گروهی را بخطر می‌اندازد بلکه طبابت‌های غیرمجاز نیز که در این کشور آشکارا ارواح دارد جان عده‌ای از هم میهنان ما را تهدید می‌کند. مگر سالیانه هزاران نفر بعلت معالجات شکسته بند-

اینروزها مسأله آزادی «سقط جنین» بر سر زبانها افتاده است برخی از پزشکان که رشته تخصصی آنان بیماریهای زنان است از این امر طرفداری مینمایند.

مهمترین دلیلی که برای اثبات نظر خود می‌آورند اینست که چون «سقط جنین» غیر قانونی است بنا بر این، این عمل بطور قاچاق وبدست اشخاص ناصالح وغیروارد انجام می‌گیرد وسلامت مادران را به خطر می‌اندازد یا از قبیل آنچه در سمپوزیوم کاخ مرکزی جوانان در تهران گفته شد

(۱) نقل از کیهان سه شنبه پنجم بهمن ماه

نمی‌تواند دلیلی برای آزادی سقط جنین باشد چه سالهای سال است که در تمام کشورهای جهان ، بانوان پزشک و ماماها و پرستاران و معلمان باشکم باردار ، بانجام وظایف انسانی خود مشغولند چه عیب دارد که خانم‌های کارمند و دبیر نیز این کار را بکنند !

* * *

مبارزه با افزایش جمعیت !

از پزشکان که بگذریم عده‌ای از راه دلسوزی و بعنوان پیش‌گیری از ازدیاد نفوس مسأله سقط جنین را پیش می‌کشند بدون اینکه فساد اخلاقی و تباهی جامعه را در نظر بگیرند . اگر واقعاً کثرت روزافزون نفوس باعث ترس است ، با آزادی سقط جنین این ترس مرتفع نخواهد شد زیرا اکثریت افراد کشور مادا کشاورزان تشکیل می‌دهند و زنان این طبقه هرگز حاضر به سقط جنین نخواهند شد چه نود و نه درصد این طبقه حتی در مواقع بیماری حاضر نیستند که از روی پرده و حجاب ، مورد معاینه زنانگی قرار گیرند تا چه رسد به سقط جنین که لازمه اش معاینه کامل زنانگی و بکاربردن آلات و ادوات جراحی در رحم زن است .

زنان طبقه کارگر و طبقات متوسط دیگر جامعه نیز دست کمی از زنان کشاورز ندارند .

در صورت آزادی سقط جنین ممکن است فقط زنان طبقه مرفه و درجه یک و یا درجه دو شهر نشین اقدام به کورتاژ نمایند و فعلاً این طبقه است که بهر ترتیبی باشد اقدام باین کار می‌کنند ، بنا بر این قانون آزادی سقط جنین کمکی به جلوگیری از ازدیاد نفوس نخواهد کرد .

در صورتیکه با تبلیغات وسیع و در دسترس گذاشتن وسایل پیش‌گیری از بارداری ، می‌توان بمقدار زیاد از افزایش نفوس جلوگیری کرد .

های غیر وارد ، چلاق و زمین گیر نمی‌شوند ؟ مگر صدها نفر در اثر ختنه بوسیله‌ی اشخاص نا وارد دچار خونریزی و عفونت و احیاناً مرگ نمی‌شوند ؟ مگر هزاران نفر بعلت معالجات بعضی عطاریها ، گرانبها ترین وقت برای معالجه را تلف نمی‌کنند و در نتیجه وقتی که به پزشک مراجعه می‌کنند که کار از کار گذشته است و دهها مگر دیگر ؟ ! چطور شده که از میان دهها نظایر مورد بحث این آقایان تنها بفکر مسأله سقط جنین به وسیله افراد ناصالح افتاده اند ؟

بنابر این بجای اینکه سقط جنین را آزاد بکنیم تا جان مادران را از خطر برهانیم باید سعی کنیم که قانون بنحو شایسته اجرا شود تا بطور کلی سلامت جامعه حفظ گردد و برای همیشه دست افراد ناصالح و حقه باز ، از طبابت کوتاه شود !

مطابق قانون دخالت اشخاص غیر مجاز در امر طبابت جرم است ، درست است عده‌ای قابله‌نمای بیسواد و از خدا بی‌خبر با دست‌های ناپاک و وسایل غیر طبیی و غیر بهداشتی اقدام به سقط جنین می‌کنند و باعث رنجوری و احیاناً مرگ بانوان بیگناه میشوند ولی این مطلب هرگز نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای آزادی سقط جنین بشود . این درست بدان میماند که بگوئیم چون معتادان به مواد مخدر ، بعلت ناخالص بودن مواد افیونی دچار عوارض میشوند پس خرید و فروش مواد مخدر را آزاد بکنیم و مردم را تشویق نمائیم که از تریاک فرداعلا و هرورئین صد درصد خالص فلان مؤسسه مصرف نمایند تا مبادا وجود مبارکشان صدمه به بیند ! و پایش تزریقات مجهزی برای معتادان به مرفین فراهم نمائیم تا تریاق خودی باعث رنجوری آنان نشود !

همچنین آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان به طوریکه استادی در سمپوزیوم کاخ جوانان ذکر کرده‌اند

چرا طفل نوزاد را نکشیم ؟ اگر طفل نوزاد را بکشیم چرا کودک دبستانی را از بین ببریم ؟

اگر قرار است طفل دبستانی را بکشیم چرا بزرگترها کشته نشوند ؟ پس قتل ، قتل است چه فرق می کند چه انسانی که يك هفته یا يكماه یا شش ماه دیگر چشم به جهان خواهد گشود و چه انسانی که سالهاست بدنیا آمده است .

مقایسه کردن نطفهٔ مرد با جنین تشکیل شده درست بدان میماند که ما نهال میوه ای را که سراز خاک بیرون آورده است و در جای مناسبی رشد میکند و بعد از چند سال درخت بارور و برومندی خواهد شد از بیخ بکنیم و بگوئیم که در دکان آجیل فروش میلیونها ملیون از تخم این نهال وجود دارد و از بین میرود بگذار این یکی را نیز از بین ببریم . زهی بی-انصافی!

* * *

باز یکی از نظرات عجیب همان حقوقدان در سمپوزیوم یاد شده ، این بود که نامبرده ضمن تکرار همان مطالب قبلی ، اضافه میکند « من عقیده دارم قتل نفس بمواردی اطلاق می شود که جاندار دارای فهم و احساس و شعور باشد در حالیکه جنین دارای چنین خصوصیات نیست! » (۱)

صرفنظر از اینکه جنین دارای احساس است اگر عقیده نامبرده درست باشد کشتن جنین ۹ ماهه پنج دقیقه قبل از تولد نیز جرم نخواهد بود و همچنین کشتن کسانی که در اثر ضرب مغزی و یا خونریزی مغزی ، فهم و احساس و شعور خود را از دست داده اند نباید جرم باشد ؛ در صورتیکه حتی پزشکانی که عقیده به آزادی سقط جنین دارند در برابر بیماران مبتلا به ضرب مغزی چه فداکاریهایی که نمی کنند و

اما نظریهٔ برخی از حقوقدانان و جامعه شناسان بسیار جالب است . با کمال تعجب در یکی از جرائد دیدم که یکی از جامعه شناسان و حقوقدانان مشهور نوشته بودند که: « در هر انزال مرد که خارج از مجرای زن انجام میگیرد میلیونها نطفه مرد از بین می رود چه عیب دارد که جنین نیز از بین برود جاندار جاندار است چه فرق میکند؟! »

باید عرض کنم درست است که جاندار جاندار است ولی هر جاندار انسان نیست . انسان خیلی شریف تر و عزیز تر از آنست که او را با مگس و یا کرم و یا سایر جاندارها مقایسه کنیم . نطفهٔ مرد جاندار است ولی انسان نیست . انسان وقتی بوجود می آید که یکی از نطفه های مرد با تخمک و یا نطفه زن یکی شود و جنین را بوجود بیاورد و از همین ساعت این موجود ریز ، انسان است و تمام استعداد های انسانی در او نهفته است . و بعد از ۹ ماه يك انسان بسیار زیبا و دوست-داشتنی و شیرین پا بر عرصه وجود خواهد گذاشت ، و بعد از سی چهار سال چه بسا نظیر همان حقوقدان مشهور شود ! و یا از او نیز بهتر فکر کند . و چه بسا همان تخم ناچیز و یا بچه کوچک نابغه ای شود که مسیر تاریخ را عوض کند .

بی انصافی است که نطفه مرد را با جنین تشکیل-شده مقایسه کرده بگوئیم که در هر انزال میلیونها نطفه مرد از بین میرود چه اشکالی دارد که يك جنین را از بین ببریم ؟

در اینجا این سؤال پیش می آید: چه فرقی است بین جنین شش یا هشت ماهه و طفل نوزاد اگر قرار باشد جنین شش ماهه یا هشت و نه ماهه را ساقط کنیم

(۱) نقل از روزنامه اطلاعات صفحه ۴ مورخه ۱۲ بهمن ماه

اگر این دلسوزها راست میگویند می‌توانند پرورشگاههایی درست کنند تا چنین نوزادانی را در آنجا نگاهدارند و حتی میتوانند تربیتی بدهند که همسایه‌ها نیز از بارداری چنین مادر اغفال شده‌ای باخبر نشوند.

عده‌ای معتقدند که بعضی از مادران در اثر بار-داری ناخواسته، ولومشروع، ممکن است دچار ناراحتی عصبی شوند. اگر واقعاً چنین موردی پیش آید و جان مادر در خطر باشد قانون، تکلیف آن را روشن کرده است و به پزشک آزادی عمل داده است ولی اینگونه موارد بسیار نادر است. بر عکس بسیار دیده شده است مادرانی که بچه خود را سقط کرده اند پس از دیدن جگر گوشه خود؛ پشیمان شده و دچار بحران روحی گردیده و سلامت خود را از دست داده‌اند. بعلاوه سقط جنین حتی در دست پزشک نیز دارای عوارض مختلف میباشد بنابراین ما نباید به تقلید کورکورانه از کشورهای پیشرفته کاری بکنیم که یکی از ارکان و اصول اخلاقی را متزلزل سازیم.

کشورهای پیشرفته، در علم و صنعت و تکنیک از ما جلوترند اما در مباحث اخلاقی و اصول انسانیت، چه عرض کنم؟

* * *

سوگند پزشکی برای همیشه محترم است!

اگر فرضاً سقط جنین آزاد شود کدام پزشک

(۱) Incubateur

چه بیخوابی‌هایی که نمی‌کشند تا شایدوی را از مرگ نجات دهند و یا برای نجات جنینی که قبل از تولد دچار ناراحتی شده است چه تلاش‌هایی که نمی‌کنند آیا واقعا خنده آور نیست که به حق و از روی کمال شرافت و انسان دوستی يك نوزاد زودرس دو کیلو گره‌ی رادر (انکوباتور) (۱) یا محفوظه مخصوص گران قیمت قرار دهیم و در هر شبانه‌روز سه نفر پرستار لیسانس به رانما مور مراقبت وی بکنیم و اکسیژن و غذا و تمام وسایل او را آماده نمائیم، تا این نوزاد ضعیف از بین نرود و پس از خرج صدها هزار ریال شاید نصف این نوزادان ضعیف باقی نمانند ولی در همان بیمارستان و بهمان بخش، اجازه دهیم که جنین‌های سالم را ساقط بکنند و توی سطل و ظروف آشفال بریزند؟!؟

آیا مضحک نیست از روی عواطف انسانی پرورشگاههایی برای معلولین - که تا آخر عمر سر بار جامعه خواهند شد - با هزینه گزاف درست کنیم، آن وقت بچه‌های سالم و دوست داشتنی را که پشتوانه جامعه آینده هستند، ساقط نمائیم؟

برخی میگویند چون عده‌ای از دختران و زنان بی شوهر، اغفال شده و باردار میشوند و چون در صورت باردار شدن آبروی خانواده‌ها بر باد می‌رود باید این قبیل مادران کورتاژ شوند، من هم قبول دارم که باید حیثیت و شرف انسان، هر چند انسان اغفال شده باشد مصون بماند ولی آیا به قیمت قتل نفس و کشتن بچه معصوم، آنهم بدست پزشک یعنی فرشته نگهبان سلامت جامعه؟

قسم نامه نامبرده درست است که بطور واضح از سقط جنین نام برده نشده است ولی در واقع سقط جنین رانهی کرده است در این قسم نامه پزشک به پروردگار سوگند میخورد که در حفظ سلامت بندگان او بکوشد و جنین نیز مخلوق خداست اصولاً قسم نامه پزشک بهر طریقی تدوین گردد ، باید سلامت بشر در رأس آن قرار گیرد مگر اینکه پزشکی اصلاً قسم نخورد و دواها و طبابت را که مانند شمشیر دولبه است بهر سمت که دلش خواست و مادیات اجازه داد بچرخاند !

بهر حال عده ای از متخصصین فعلی امراض زنان که سنک آزادی سقط جنین را به سینه می زنند بعلمت سوگندی که خورده اند نمیتوانند دست باینکار بزنند . اگر واقعاً از راه دلسوزی و انسان دوستی این سخن را می گویند ؛ می توانند بانوان بیمار را که در صورت انجام ندادن سقط جنین دچار ناراحتی می شوند ، بدقت معالجه نمایند ، و اجر خود را دریافت کنند .

باشرفی است که باین کار اقدام نماید . زیرا هر پزشک قبل از اخذ اجازه طبابت به خداوند و شرف و حیثیت و وجدان خود قسم یاد کرده است که سقط جنین نکند و جز به سلامت بشر به چیزی فکر نکند .

اگر پزشکی قسمتی از قسم نامه خود را که مربوط به سقط جنین است ، نادیده گرفته و اجراء نکند ، هیچ ضمانت اجرائی وجود ندارد که سایر موارد آن را نیز فراموش ننماید ؟! تا آنجائیکه من اطلاع دارم کلیه پزشکان کشور که اکنون به امر طبابت اشتغال دارند چنین قسم نامه ای را خوانده و امضاء کرده اند .

پس بنابراین حتی در صورت قانونی بودن سقط جنین برای پزشکان کنونی امکان اقدام به سقط جنین نیست . گاهی گفته میشود که در صورت آزادی سقط جنین در آینده به جای قسم نامه بقرات به قسم نامه « ابن میمون » سوگند یاد کنند غافل از اینکه در

این راه آسانتر و بهتر است

امیر مؤمنان علی (ع) میفرمود :

عودك الى الحق خير من تماميك في الباطل!

بهنگام اشتباه و انحراف ، بازگشت به سوی حق بهتر و آسانتر از ادامه راه باطل است !

« ازفرر الحكم »